

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۵

یوحنا ۱: ۱۳-۳۰

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۵، سخنرانی خداحافظی، مقدمه، شستن پا و خیانت، یوحنا ۱: ۱۳-۳۰ است.

وقتی مجموعه ویدیوهایمان درباره انجیل یوحنا را شروع کردیم، زمانی را صرف نشان دادن ساختار ادبی انجیل یوحنا و چگونگی تحلیل آن توسط بسیاری از محققان امروزی به عنوان کتابی از نشانه‌ها تا فصل ۱۲ کردیم و سپس به فصل‌های ۱۳ تا ۱۷ به عنوان کتابی که در آن عیسی جلال خدا را نشان می‌دهد و تعلیم می‌دهد پرداختیم.

بنابراین، ما کتاب نشانه‌ها، رسالت عمومی عیسی تا فصل ۱۲، و سپس کتاب جلال، آیات ۱۳ تا ۱۷، قبل از مصائب در یوحنا، که فصل‌های ۱۸ تا ۲۰ می‌شود، را داریم. بنابراین، ما درست بین زمان کتاب نشانه‌ها و کتاب جلال هستیم. ما به کتاب نشانه‌ها نگاه می‌کردیم و در آخرین ویدیویمان متوجه شدیم که چگونه آن کلمه نسبتاً غم‌انگیز و حزن‌انگیز در فصل ۱۲، آیه ۳۷ وجود دارد، با اینکه عیسی این همه نشانه انجام داده بود، اما آنها به او ایمان نیاوردند.

خوشبختانه، چند آیه بعد از آن، این جمله را کمی از حالت کلی و جهان‌شمول آن خارج می‌کند و اذعان می‌کند که مردم به عیسی ایمان داشتند. با این وجود، رسالت عمومی عیسی در انجیل یوحنا به پایان رسیده است و اوضاع آنطور که ما پیروان عیسی امیدوار بودیم، نیست. بسیاری از مردم به او ایمان نیاورده بودند و بسیاری از رهبران مذهبی فریسیان و اشراف کاهنان تلاش‌های خود را برای دستگیری و اعدام عیسی دو چندان کرده بودند.

بنابراین، همه اینها به عنوان چیزی که عیسی از آن بی‌خبر است، به او نمی‌رسد. بنابراین، بقیه یوحنا بر آماده کردن شاگردانش توسط خداوندان از ۱۳ تا ۱۷ برای عزیمتش تمرکز دارد، که احتمالاً نباید به عنوان غیبت یا خداحافظی کامل او از آنها درک شود، بلکه به عنوان کلامی بسیار غم‌انگیز و جدی در مورد چگونگی تبدیل حضور خدا با شاگردان از حضور فیزیکی عیسی به حضور عیسی با شاگردان از طریق خدمت پاراکلتوس، یاور، تسلی‌دهنده، مدافع، روح‌القدس، خواهد بود. بنابراین ما به آموزه‌های زیادی در مورد روح‌القدس در ویدیوهای که از یوحنا ۱۴ تا ۱۶ می‌آیند، خواهیم پرداخت، اما این اولین ویدیوی ما در مورد فصل ۱۳ است، بنابراین قصد داریم زمانی را صرف معرفی گفتمان به اصطلاح اتاق بالا، گفتمان خداحافظی، هر چه که ترجیح می‌دهید آن را بنامید، کنیم و سپس زمانی را صرف بررسی چگونگی شستن پاهای شاگردان توسط عیسی خواهیم کرد.

بنابراین، ما این ویدیو را با بحثی در مورد اینکه سخنرانی خداحافظی در مورد چیست، شروع می‌کنیم. به اولین اسلاید ما در این مورد توجه کنید. اصلاً غیرمعمول نیست که مردم این را سخنرانی اتاق بالا بنامند، و برای اینکه آن را اینگونه بنامیم، باید اطلاعاتی را به یوحنا وارد کنیم که در یوحنا وجود ندارد.

البته، از بالاخانه در انجیل مرقس، باب ۱۴، در روایت مصائب مرقس و همچنین در انجیل لوقا نام برده شده است. همانطور که ممکن است از کتاب اعمال رسولان به یاد داشته باشید، شاگردان در همان بالاخانه، ظاهراً در اعمال رسولان، فصل ۱، آیه ۱۳، بین زمان عروج عیسی و روز پنتیکاست، پرسه می‌زنند. البته یوحنا می‌گوید که این گفتگو در اورشلیم است.

شکی نیست که عیسی آنجاست. اما متن فصل ۱۸.۱ از حرکت عیسی از دره قدرون صحبت می‌کند. اما به غیر از آن، به باغ جتسیمانی، اما به غیر از آن، تا جایی که من می‌دانم، حداقل من متوجه هیچ اطلاعات بیشتری در مورد مکان این گردهمایی نشده‌ام.

بنابراین، من خیلی خوشبین نیستم که آن را سخنرانی در اتاق بالا بنامیم. فکر می‌کنم از نظر محتوای کلی کتاب مقدس، اشکالی ندارد، اما اگر فقط بخواهیم یوحنا را توصیف کنیم، این اصطلاح او نیست. البته اصطلاح دیگری که برای توصیف آن استفاده می‌شود، سخنرانی خداحافظی است.

احتمالاً این چیزی است که ما بیشتر از محتوای یوحنا برداشت می‌کنیم. و من می‌گویم که این ایده تا حدودی با ایده یوحنا مطابقت دارد، اما نه کاملاً. زیرا شکی نیست که عیسی به آنها می‌گوید که او می‌رود.

او دارد می‌رود و آنها نمی‌توانند دنبالش بروند. بنابراین، این در واقع نوعی خداحافظی است. اما عیسی به آنها نمی‌گوید که آنها را تنها می‌گذارد.

او با آنها به این معنی خداحافظی نمی‌کند که دیگر هرگز او را نخواهند دید. زیرا عیسی در این متن کاملاً واضح بیان می‌کند که دوباره آنها را خواهد دید، حداقل به نوعی کلمه، و اینکه نزد آنها خواهد آمد. سوال این است که آیا او شخصاً پس از رستاخیز نزد آنها خواهد آمد، یا اینکه به طور دائم از طریق روح القدس نزد آنها خواهد آمد تا زمانی که در زمان‌های آخرالزمانی برای داوری زمین بیاید؟ بنابراین، همانطور که در این مطلب به آن نگاه می‌کنیم، ممکن است سه راه وجود داشته باشد که عیسی از طریق آنها نزد آنها بیاید.

بنابراین، آیا این یک سخنرانی خداحافظی است؟ بله و خیر. برخی آن را به عنوان یک سخنرانی وصیت‌نامه‌ای، توصیف کرده‌اند. منظور محققان از اصطلاح سخنرانی وصیت‌نامه‌ای این است که این مطالب، به نوعی آخرین وصیت‌نامه عیسی است.

اینکه او با قوم خود طوری صحبت می‌کند که انگار در بستر مرگ است. همانطور که یعقوب در پایان کتاب پیدایش این کار را کرد، همانطور که پولس دوم تیموتائوس را به این شکل نوشت، شاید دوم پطرس نیز در عهد جدید با همین هدف نوشته شده باشد. با این حال، باز هم، عیسی واقعاً در حال رفتن است و به نظر من، مرگ او فرضی است که در اینجا مطرح شده است.

اما شباهت‌هایی وجود دارد، اما نمی‌دانم که آیا باید این را وصیت‌نامه‌ای عیسی بنامیم، همانطور که برخی این کار را کرده‌اند. از نظر الهیاتی، فکر می‌کنم اگر می‌خواهیم بر ایده‌ی وصیت‌نامه یا وداع او با شاگردانش تأکید کنیم، توجه به این نکته بسیار مهم است که او مطلقاً شاگردان را رها نمی‌کند. او صرفاً می‌رود، اما یک مدافع یاور دیگر را می‌فرستد تا با آنها باشد و در غیاب او از آنها مراقبت کند.

و آن مدافع، آن یاور، روح القدس، اساساً حضور عیسی را برای آنها تعدیل یا دگرگون خواهد کرد. عیسی از طریق روح با آنها صحبت خواهد کرد، و روح حضور عیسی در میان آنهاست، نه به صورت متافیزیکی یا شخصی، بلکه روح از طریق عیسی به عنوان کسی عمل می‌کند که عیسی را به آنها یادآوری می‌کند، آنچه را که باید از عیسی بشنوند به آنها تعلیم می‌دهد و یادآوری می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا آنچه عیسی آموخته است را به خاطر بسپارند. بنابراین، می‌توان گفت که روح القدس مسیح محور است.

روح القدس به سوی آنها نمی‌آید تا آنها را به فصل جدیدی، به سوی انحرافی جدید از آموزه‌های عیسی هدایت کند. بلکه، روح القدس می‌آید تا درباره عیسی به آنها بگوید و هر آنچه را که عیسی تاکنون به آنها آموخته است، به آنها یادآوری کند. بنابراین با در نظر گرفتن همه این موارد، شاید بتوانیم این سخنرانی را نه

به عنوان سخنرانی وداع یا سخنرانی خداحافظی، بلکه به عنوان سخنرانی دگرگونی حضور تا بازگشت توصیف کنیم.

اما به نوعی این حرف چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بنابراین شک دارم که مورد توجه قرار گیرد. در هر صورت، این یک راه برای فکر کردن به الهیات آنچه در این گفتمان اتفاق می‌افتد است، چه اصطلاح جذابی باشد که بتوانیم در آینده از آن استفاده کنیم یا نه. بنابراین ابتدا، برخی مطالب جغرافیایی که شاید به ما در درک آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد کمک کند.

در اورشلیم، کوه معبد را داریم. در دوران عهد عتیق، تپه‌ای که در جنوب کوه معبد قرار دارد، شهر داوود نامیده می‌شود، قدیمی‌ترین بخش اورشلیم. فکر می‌کنم در کتاب مقدس اغلب به این تپه، کوه صهیون گفته می‌شد.

با این حال، امروزه بخش دیگری از اورشلیم، تپه غربی، در آن سوی دره اینجا وجود دارد که کوه صهیون نامیده می‌شود. در این کوه صهیون دیگر، این کاربرد مدرن‌تر از اصطلاح، تصور می‌شود که بسیاری از مطالبی که در یوحنا ۱۳ و در توازی‌های سینوپتیک آمده است، رخ داده است. گمان می‌رود خانه قیافا، کاهن اعظم، در اینجا یافت شود.

کمی جلوتر، به سمت دروازه یافای فعلی، جایی است که گمان می‌رفت کاخ هیرودیس باشد، جایی که احتمالاً فرمانداران رومی هنگام ورود به اورشلیم در آن پرسه می‌زدند، جایی که به احتمال زیاد عیسی در حضور پونتیوس پیلاطس در آنجا حاضر می‌شد. بنابراین، این منطقه در تپه غربی، که امروزه اغلب کوه صهیون نامیده می‌شود، شاید جایی بوده باشد که طبق سنت سینوپتیک، آخرین وعده غذایی عیسی با شاگردان در آنجا برگزار شده است. من گمان می‌کنم که عیسی از اینجا به این سمت آمده تا در نهایت به باغ جتسیمانی که در شمال‌تر از جایی است که من لحظه‌ای پیش نشانگر را داشتم، برسد.

البته، اینجا به طور سنتی جایی است که جتسیمانی قرار دارد. چند درخت زیتون بسیار قدیمی آنجا وجود دارد که کاملاً گره‌دار به نظر می‌رسند، اما چطور می‌توانیم دقیقاً بدانیم که آن کجا بوده است؟ بنابراین، اگر این نقشه را برداریم و آن را از پایین به بالا کمی کج کنیم، ممکن است چیزی شبیه به این ببینیم. این به کوه صهیون مدرن، تپه غربی، و این سازه بزرگ که اینجا نصب شده است، نگاه می‌کند، که به آن صومعه دورمیشن می‌گویند.

ظاهراً این مکانی است که یادآور اتاق بالایی است، و این یک مکان سنتی است که لزوماً از نظر تاریخی قابل تأیید نیست. ظاهراً تصویری که قرار است از سنگفرش باستانی نزدیک جایی که امروزه کلیسای سنت پیتر گالیکانتو نامیده می‌شود، که کلمه‌ای بسیار عجیب و غریب دارد که به بانگ خروس مربوط می‌شود، به شما نشان دهیم، شاید در دامنه شرقی این تپه غربی اورشلیم بوده است. بنابراین امروز، اگر از این منطقه بازدید کنید، این پله‌های باستانی را خواهیم دید که باستان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالاً به قرن اول تا زمان عیسی مسیح برمی‌گردند.

از پله‌ها که بالا می‌روید، این شکلی هستند. از پله‌ها که پایین می‌روید، کم و بیش این شکلی هستند. بنابراین اگر وارد صومعه دورمیشن شوید، یک اتاق بزرگ و زیبا پر از سنگ‌های تراشیده شده زیبا می‌بینید که به طور سنتی مربوط به اتاق بالایی هستند.

اینجا یک مجسمه خیلی جالب از کلاغ هست، که ببخشید، خروس است، خروسی که قرار است سه بار بانگ بزند. فکر می‌کنم تصویری که اینجا کمی دیدنش سخت است، گفتگوی پطرس با کنیز و انکار خداوند

است. بنابراین، کمی اطلاعات پیش‌زمینه و اطلاعات پیش‌زمینه در مورد چگونگی درک این داستان امروزه، به خصوص اگر شما یک توریست در اسرائیل هستید.

بنابراین، در ارتباط دادن یوحنا ۱۳-۱۷ با سنت هم‌نوا، با مشکلاتی مواجه هستیم، زیرا وقتی یوحنا ۱۳، آیه ۱ آن را درست قبل از عید فصح نشان می‌دهد، و بنابراین غذایی که در اینجا در NIV را می‌خوانیم، ترجمه انجیل یوحنا به تصویر کشیده شده است، لزوماً به صراحت به عنوان یک غذای فصح مانند آنچه در انجیل‌های هم‌نوا آمده است، به تصویر کشیده نشده است. برخی تصور کرده‌اند که دلیل این امر این است که در انجیل یوحنا، گفته‌ی یحیی تعمید دهنده در مورد عیسی، مبنی بر اینکه او بره خداست، آنقدر جدی گرفته شده است که یوحنا نمی‌خواهد هیچ بره دیگری مانند بره فصح حتی مستقیماً در انجیل یوحنا ذکر شود، بلکه می‌خواهد تمام تصویر بره را بر خود عیسی متمرکز کند. به نظر من، این قابل قبول است، هر طور که باشد.

مطابقت ندارد، و محققانی (Synoptic) آنچه یوحنا در مورد این وعده غذایی می‌گوید دقیقاً با سنت هم‌نوا که قادر به پرداختن به چنین مواردی هستند و به آن علاقه دارند، مطالب زیادی در مورد آن نوشته‌اند، و خوشبختانه برای شما، من یکی از آنها نیستم زیرا در حال حاضر قصد نداریم به همه این موارد بپردازیم. نه اینکه ارزش چنین کاری را کم اهمیت جلوه دهیم، اما این چیزی نیست که ما در زمان محدودی که در این ویدیوها در اختیار داریم، به آن بپردازیم. من گمان می‌کنم این امکان وجود دارد که یوحنا به نوعی از یک طرح زمانی متفاوت عمل می‌کند و او در اینجا در یوحنا ۱۳، وعده غذایی عید فصح را توصیف می‌کند.

من گمان می‌کنم این احتمال هم وجود دارد که او در حال توصیف یک وعده غذایی کاملاً متفاوت باشد که شب قبل از شام عید فصح بوده است. گفتنش سخت است، و البته بخشی از این موضوع به این واقعیت مربوط می‌شود که وقتی سنت هم‌نوا را می‌خوانیم، به وضوح رسم سفره خداوند از شام عید فصح وجود دارد که در آن از برخی از جام‌های سنت عید فصح برای نماد بدن و خون عیسی استفاده می‌شود، اما در یوحنا چنین مراسمی نداریم. فکر می‌کنم مطمئناً در اینجا جای تفکر، تفسیرهای مختلف و مسائل زیادی وجود ۱۳ دارد که به ذهن خطور می‌کند، و اگر مایل به مطالعه و تحقیق بیشتر در مورد آنها هستید، شما را از این مسائل آگاه می‌کنم، اما فقط برای اشاره به این نکته که رویکرد یوحنا در اینجا از نظر دستور کار ادبی و اهداف الهیاتی او با شام عید فصح تا حدودی متفاوت است.

این ما را به برخی از اولین بحث‌هایمان در مورد اینکه انجیل‌ها چه نوع کتابی هستند، برمی‌گرداند. اگر آنها کتاب‌هایی هستند که صرفاً تلاش می‌کنند شرح مفصلی از تمام وقایع زندگی عیسی را به شما ارائه دهند، قطعاً در انجام این کار شکست خورده‌اند، اما من فکر نمی‌کنم که از ابتدا این نوع کتاب‌ها باشند. آنها کتاب‌هایی هستند که سنت‌های تاریخی برگزیده‌ای درباره عیسی به ما می‌دهند که در واقع درست هستند، اما این سنت‌ها به دلیل اهمیت الهیاتی‌شان ارائه می‌شوند که به هدف نویسنده، پیامی که نویسنده می‌خواهد منتقل کند، گره خورده است و سپس به شیوه‌ای ادبی عالی و خلاقانه آموزش داده و نوشته می‌شوند.

بنابراین، تاریخ تنها دلیل وجود این انجیل‌ها نیست، البته به این معنی نیست که تاریخی نیستند، بلکه به این معنی است که چیزی بیش از تاریخی هستند. البته در سنت هم‌نوا (سینوپتیک) (هیچ اشاره‌ای به شستن پا که عیسی در اینجا در یوحنا ۱۳ انجام می‌دهد، نداریم. ما مراسم نان و پیاله را داریم، نه شستن پا را، درست برعکس یوحنا.

بنابراین، وقتی سنت شستن پا را که در اینجا در متن وعده غذایی اجرا می‌شود، مشاهده می‌کنیم، متوجه خواهید شد که در یوحنا ۱۳، آیه ۲ به ما گفته شده است که شام در حال انجام بود. همانطور که شام در حال انجام بود، عیسی وقت گذاشت تا پاهای شاگردان را بشوید. بنابراین، بحثی در مورد اینکه آیا عبارت «که در این فصل می‌بینید، و اتفاقاً، در فصل بعدی که عیسی توسط خانواده لازاروس در بتانی»

مسح می‌شود، وجود دارد یا خیر، وجود دارد. ما خواهیم دید که این سوال در مورد آنچه که اغلب «وعدۀ غذایی سه‌گانه» نامیده می‌شود، وجود دارد.

بنابراین، کلمه تریکلینیوم نوعی شکل لاتین شده کلمات است که اساساً به معنی سه کاناپه است. بنابراین سوال این است که در دوران باستان، افرادی که توانایی مالی داشتند برای وعده‌های غذایی خاص، یک تریکلینیوم در خانه‌های خود ترتیب می‌دادند. افرادی که بسیار ثروتمند بودند، اتاقی در خانه خود داشتند که به این شکل چیده شده بود و تمایل داشتند وعده‌های غذایی بیشتری مانند این بخورند.

شکل می‌شد که یک میز در پایه و دو میز دیگر در بازوهای U بنابراین، این یک اتاق غذاخوری زیبا با یک میز قرار داشتند، و بنابراین آنها وعده‌های غذایی زیادی را در آنجا می‌خوردند. معمولاً، آنها منظره‌ای از U بالایی باغ‌های خود را از اتاق داشتند یا نقاشی‌های دیواری زیبایی روی دیوار داشتند، و معمولاً روی آرنج چپ خود تکیه می‌دادند و با دست راست خود غذا می‌خوردند، فکر می‌کنم، مگر اینکه چپ دست بودند، در آن صورت احتمالاً این کار را برعکس انجام می‌دادند. این باعث ایجاد مشکلاتی در چیدمان می‌شد.

بنابراین، متون عهد جدید زیادی وجود دارد که به این سبک غذا خوردن در حالت لمیده اشاره می‌کنند و ظاهراً همه اینها به وعده‌های غذایی اشاره دارند که به سبک تریکلینیوم خورده می‌شوند. بنابراین، به نظر من، این پیشینه محتمل و احتمالاً حتی بیش از محتمل، بسیار محتمل از آنچه در یوحنا ۱۳ می‌خوانیم است زمانی که در مورد عیسی مسیح می‌خوانیم که اعلام می‌کند یکی از حواریون به او خیانت خواهد کرد، و پطرس می‌خواهد بداند آن شخص کیست و شروع به پرسیدن از یوحنا می‌کند. در آیه ۲۵ می‌بینیم که حواری محبوب، من فقط آن دو را با هم برابر می‌دانم، در حالی که به عیسی مسیح تکیه داده بود، در آیه ۲۵، از او پرسید، پروردگارا، او کیست؟ چرا باید به او تکیه دهد؟ خب، ما بدیهی است که تصاویر زیادی از شام آخر عیسی مسیح داریم که این آشکارا مشهورترین آنهاست، و ظاهراً داوینچی در اینجا به عنوان این فرد به حواری محبوب خیانت می‌کرد، مگر اینکه کتاب رمز داوینچی دن براون را خوانده باشید، و اگر خوانده‌اید، پس هر چیزی را که در آنجا می‌خوانید باور نکنید، این یک اشتباه بزرگ خواهد بود.

اما سبک غذا خوردن در تریکلینیوم احتمالاً چیزی شبیه به این بوده است. اگر به برخی از فرهنگ‌های لغت باستانی روم باستان نگاه کنید و کمی در مورد تریکلینیوم مطالعه کنید، در این مقاله خاص نقل قولی وجود دارد مبنی بر اینکه هر شخصی که سرش به سینه‌اش نزدیک می‌شد، پایین‌تر از او در نظر گرفته می‌شد، که درک این جمله کمی دشوار است، اما وقتی آن را باز می‌کنید، چیزی که می‌گوید این است که، همانطور که در یوحنا فصل ۱۳ و آیه ۲۵ خواندیم، تکیه دادن به عیسی. چیزی که می‌گوید این است که هر شخصی که به او تکیه دهد، از شما برتر خواهد بود.

بنابراین، اگر شما کسی بودید که فردی که جلوی شما خم شده بود، برای صحبت با شما به عقب خم می‌شد، آنگاه ترتیب دقیقی از کسانی که سر میز نشسته بودند، وجود داشت. بنابراین، اگر من شاید فقط برای لحظه‌ای خودم را اینجا روی این میز به این شکل خم کنم، نمی‌دانم دورین می‌تواند من را بگیرد یا نه فکر می‌کنم خوب هستیم، آنگاه من به این شکل خم می‌شوم و با دست راستم به این شکل غذا می‌خورم، و سپس به هر شکلی که میزبان جایگاه افراد حاضر در غذا را درک کند، افراد به این شکل چیده می‌شوند. بنابراین فرد اینجا کسی خواهد بود که به عنوان فردی پایین‌تر از من دیده می‌شود.

این شخص برای صحبت با من باید به شانه‌هایش تکیه دهد. و البته، اگر من به کسی که در سمت دیگر من بود تکیه می‌دادم، آن شخص برتر از من تلقی می‌شد. بنابراین، بدیهی است که به تعبیری مانند این، وقتی در آیه ۱۳:۲۵ آمده است که شاگرد محبوب به عیسی تکیه داد و از او پرسید که او کیست، آن شخص باید چیزی شبیه به این را از روی شانه چپ خود عبور می‌داد یا کاملاً از روی شانه راستش برمی‌گشت تا با عیسی صحبت کند.

و احتمالاً این چیزی است که متن اینجا برای ما به تصویر می‌کشد. بنابراین، وعده غذایی تریکلینیوم همانطور که در این منبع خاص که من به صورت آنلاین پیدا کردم به تصویر کشیده شده است، اگر می‌خواهید آن را بررسی کنید، می‌توانید آدرس را اینجا ببینید، می‌گویند که در هر یک از میزها، معمولاً این روشی برای نه نفر است، مطمئن نیستم که عیسی چگونه این کار را با ۱۲ شاگرد انجام داد، شاید چهار نفر به جای سه نفر کوچکترین emus فردی با جایگاه متوسط در وسط، و سپس، sumus که اولین نفر در هر میز، به لاتین فرد در هر میز خواهد بود. بنابراین، فردی با بالاترین جایگاه در کل ضیافت، کل غذا، کسی خواهد بود که سر این میز نشسته است زیرا به نوعی، بقیه به حضور این شخص تکیه می‌دهند.

اگر واقعاً یوحنا ۱۳ شام آخر باشد، این دقیقاً آن شکلی نیست که اغلب می‌بینید و به طرق مختلف به تصویر کشیده شده است. معمولاً یوحنا ۱۳ را در کنار عیسی مسیح سر این میز می‌بینید، که در فرهنگ مدرن غرب معمولاً به عنوان میز اصلی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، عیسی در وسط قرار می‌گیرد و شاگرد محبوب به او تکیه می‌دهد.

بگذارید همینجا رک و راست بگویم، حدس می‌زنم عیسی اینجا و شاگرد محبوبش هم اینجا باشند. حدس می‌زنم اینکه بقیه افراد کجا بودند، در این تصویر کاملاً مشخص نشده است. من تصاویر دیگری از این موضوع دیده‌ام که در آنها اولویت از سمت چپ شروع می‌شود و به این سمت می‌رود، اما حتی وقتی به این شکل هم دیده‌ام، عیسی در وسط این میز و شاگرد محبوبش در این مکان قرار دارد.

من هم در این مورد شک دارم. بنابراین، اگر این درست باشد، اگر این روش معمول ترتیب امور بوده است، پس عیسی در اینجا در جایگاه اول به عنوان معتبرترین فرد، شخصی با بالاترین جایگاه قرار می‌گرفت. شاگرد محبوب در جایگاه دوم قرار می‌گرفت، و سپس ترتیب دیگری از بقیه شاگردان.

بنابراین، آیا یهودا را جایی در همان نزدیکی داشتیم که عیسی می‌توانست به راحتی یک لقمه به او بدهد، یا پطرس را جایی در همان نزدیکی که پطرس کم و بیش به راحتی می‌توانست بگوید، «پیس، یوحنا، این کیست؟» بفهمید. دانستن فراتر از آن دشوار است. بنابراین، تصاویر دیگری از تریکلینیا در دوران باستان وجود دارد.

این نوعی کنده‌کاری چوبی از سه‌گوش سنگی است که در پمپئی در ویرانه‌های فوران آتشفشانی آنجا یافت شده است. فکر می‌کنم اگر در اینترنت جستجو کنید، می‌توانید یک ماکت یا عکسی از همین اتاق را ببینید از صفوریس، که درست در شمال ناصره است، یک موزاییک کف وجود دارد که سه‌گوش را به این شکل به تصویر می‌کشد.

است. سه نفر پشت هر یک U البته، این به معنای دقیق کلمه، یک کاناپه سه نفره نیست، اگرچه به شکل از این کاناپه‌های کوتاه نیستند. بنابراین، می‌بینید که افراد اینجا روی آرنج‌هایشان دراز کشیده‌اند.

خدمتکارانی را می‌بینید که آشکارا از خوراکی‌ها یا شراب یا هر چیز دیگری مراقبت می‌کنند. و حدس می‌زنم از روی این تصویر نمی‌توان فهمید که دقیقاً چه کسی از جایگاه بالاتری برخوردار است. یک نقاشی دیواری از پمپئی نیز تصویر دیگری از این موضوع را به ما ارائه می‌دهد.

در این تصویر، به نظر نمی‌رسد که افراد لم داده باشند، بلکه تقریباً پشت میز بلندتری نشسته‌اند. بنابراین، از اینجا کمی دشوار است که دقیقاً بفهمیم اینجا چه خبر است. تصویری که به صورت آنلاین در حال گردش است و من مطمئن نیستم که آن را به چه کسی نسبت دهم زیرا آن را در بسیاری از جاها دیده‌ام و هیچ حق

نشری روی آن نمی بینم و نمی خواهم از آن پولی دریاورم، اما این یک روش بسیار رایج برای به تصویر کشیدن آن است.

شاگرد محبوب اینجا کنار عیسی و یهوذا قرار دارد. بنابراین، پطرس، با شنیدن اینکه عیسی می گوید یکی از شما به من خیانت خواهد کرد، به نحوی توجه یوحنا را جلب می کند و با تکان دادن سر یا چیزی شبیه به آن به یوحنا می گوید، از او پرس، چه خبر است، از او پرس. بنابراین، در آن صورت، عیسی به سادگی لقمه را می گرفت و آن را روی شانه اش به یهوذا می داد.

مشکل این است که اگر این ترتیب به همین شکل بود، عیسی از نظر جایگاه اجتماعی پایین تر از یهوذا قرار می گرفت. خب، از این ماجرا چه نتیجه ای می گیریم؟ ما تا حدودی از این رسم می دانیم. تصاویر مختلفی از اینکه در دوران باستان میزها به چه شکلی چیده می شدند، در دست داریم.

ما در مورد نحوه برگزاری مراسم اختلاف نظر داریم. تعداد افراد حاضر در ضیافت که به طور مرتب در سه میز، هر کدام با سه نفر، جای می گیرند، متفاوت است، که به نوعی روش استاندارد انجام آن تلقی می شود. من مطمئن نیستم که به جز توجه به اینکه همه در یوحنا ۱۳ لم داده اند، کدام یک از این چیدمان ها منطقی تر باشد.

من فکر می کنم این اصل که کسی که به سینه اش نگاه می کنید و به او تکیه می دهید، برتر از شماسست و نه برعکس، کاملاً منطقی است. بنابراین، اگر عیسی مسیح را در حالی که به عنوان رئیس شاگردان سر سفره نشسته و در واقع پاهای آنها را شسته است، در نظر بگیریم، او خود را به عنوان استاد، خداوند، معرفی می کند. اگر من، خداوند، پاهای شما را شسته ام.

بنابراین، اگر او واقعاً در این بالاترین مقام و جایگاه بر سر میز نشسته بود، این موضوع بسیار مناسب تر می شد. بنابراین، با استفاده از این تصویر به عنوان روشی که باید عمل کند، عیسی در جایی که این تصویر می گوید پطرس قرار دارد، قرار می گرفت و سپس همه چیز به این ترتیب از بزرگترین به کوچکترین پیش می رفت. شاگرد محبوب، فرد میانی این میز می بود.

من دقیقاً مطمئن نیستم که آیا پطرس نفر بعدی بود یا یهوذا در تمام این ترتیبات کجا بود. فکر می کنم این فراتر از توانایی ما برای دانستن قطعی است. مطمئنم نظریه های مختلفی وجود دارد که استدلال کم و بیش روشنی پشت آنها نهفته است.

بنابراین، اگر مایل باشید، می توانید این موضوع را کامل تر دنبال کنید. حالا با در نظر گرفتن کل گفتمان، نه فقط فصل ۱۳، این طرح برای ما چگونه است؟ اگر کمی مکث کنید و در مورد آن فکر کنید، می توانید ببینید که این گفتمان به نوعی یک مقدمه و یک موخره دارد که به گفتمان اصلی، یعنی گفتمانی که در واقع یک گفتمان است، منتهی می شود. اغلب به ما گفته می شود که گفتمان اتاق بالا یا گفتمان خداحافظی یا گفتمان تحول حضور تا بازگشت، همانطور که من آن را نامیده ام، در واقع از فصل ۱۳ تا فصل ۱۷ چندان مطرح نیست، زیرا عیسی در بخش اول گفتمان چندان صحبت نمی کند.

او در اینجا با شستن پاهای شاگردان، به آنها مثالی می دهد. اگرچه در این حین چند نکته می گوید، اما به طور کلی بحث نمی کند. همانطور که می دانید، بحث با دعا کردن عیسی به پدر پایان می یابد.

دعا یک سخنرانی نیست. دعا شفاعت اوست، اول از همه برای خودش، سپس برای شاگردانش، و سپس برای کسانی که در نهایت به آنها ایمان خواهند آورد. بنابراین، سخنرانی به معنای واقعی کلمه باید بخشی از فصل های ۱۳ تا ۱۶ باشد که عیسی بر آمدن روح القدس تأکید می کند.

سپس گفتمان از فصل ۱۳ آغاز می‌شود. اولین چیزی که عیسی درباره آن صحبت می‌کند، رفتنش است و اینکه وقتی او می‌رود، ضروری است که آنها یکدیگر را دوست داشته باشند، همانطور که او آنها را دوست داشته است. در این میان، فکر می‌کنم او نشان می‌دهد که روح القدس را برای آنها فراهم می‌کند که آنها را قادر می‌سازد تا یکدیگر را دوست داشته باشند، همانطور که او تا پایان فصل ۱۶ آنها را دوست داشته است.

سپس در دعایی که در انتهای فصل ۱۷ آمده است، او برای شاگردان دعا می‌کند که یکی باشند، همانطور که او و پدر یکی هستند. من فکر می‌کنم به یک معنا، تعلیم در مورد فرمان جدید مبنی بر اینکه آنها باید یکدیگر را دوست داشته باشند، همانطور که او آنها را دوست داشته است تا همه بدانند که آنها شاگردان او هستند، راه جالبی برای شروع گفتمان است و روشی که همه چیز در انتهای دعای فصل ۱۷ به آن ختم می‌شود این است که شاگردان ممکن است یکی باشند، همانطور که او و پدر یکی هستند. این یک راه جالب برای پایان دادن به شاگردان است، زیرا همانطور که در فصل ۱۳، فرمان عشق داده شده است تا همه باور کنند که شما شاگردان من هستید، بیانیه وحدت در پایان فصل ۱۷ بیان شده است تا همه بدانند که شما شاگردان من هستید، تا به من ایمان بیاورند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که دو نگهدارنده کتاب، به عنوان نحوه‌ی شکل‌گیری کل گفتمان، بسیار منطقی به نظر می‌رسند. همانطور که به یوحنا ۱۳-۱۷ نگاه می‌کنیم، فقط یک خط پیوسته از کلمات عیسی وجود ندارد. البته، شستن پا در فصل ۱۳ وجود دارد که منجر به گفتگو با عیسی و پطرس و سپس بعداً با عیسی و شاگرد محبوب در مورد هویت خائن می‌شود.

حتی وقتی وارد گفتمان اصلی می‌شوید، اگر بخواهیم آن را چنین بنامیم، از پایان فصل‌های ۱۳ تا ۱۶، چندین چیز وجود دارد که می‌توانیم آنها را مضمون بنامیم، که بیشتر آنها سوالاتی هستند که از شاگردان می‌آیند. به عنوان مثال، در فصل‌های ۱۳ تا ۳۶، پطرس سوالی می‌پرسد که منجر به اظهار نظر عیسی می‌شود. وقفه‌های دیگری نیز وجود دارد، اگر بخواهیم آنها را چنین بنامیم، از سوی دیگر شاگردان، ۱۴:۸، ۱۴:۲۲، و عیسی در ۱۶:۱۹ متوجه می‌شود که شاگردان در حال تعجب هستند که او به چه چیزی فکر می‌کند و وقتی ۱۶:۱۷ می‌گوید، کمی، کمی، در واقع چه می‌گوید.

بنابراین، لحظات تعاملی یا گفتگو محوری در گفتمان وجود دارد. این فقط عیسی نیست که بدون هیچ تعاملی از سوی شاگردان صحبت می‌کند. در واقع، تقریباً در اواسط، در پایان فصل ۱۴، تغییر مکان رخ می‌دهد.

عیسی می‌گوید، برخیزید، برویم. دقیقاً مشخص نیست که آنها به کجا می‌روند، آیا او بقیه‌ی حرف‌ها، ۱۴:۳۱ را در حین راه رفتن به آنها می‌گوید یا اینکه به جای دیگری رسیده‌اند. فصل ۱۸، آیه ۱، می‌گوید که آنها آنجا را ترک کردند و از طریق رودخانه‌ی قدرون به باغ جتسیمانی رفتند.

وقتی عیسی دعایش را تمام کرد، با شاگردانش آنجا را ترک کرد و از وادی قدرون عبور کرد. بنابراین، ۱۸:۱، هر کجا که بودند، در غرب آن بودند. و در طرف دیگر، اینجا باغی بود و شاگردانش به آن رفتند.

بنابراین، این به ما کمک می‌کند تا جریان و ساختار کلی گفتمان را درک کنیم. حال، طبق عادت همیشگی‌مان با نگاهی به خود باب ۱۳ یوحنا، در مورد چگونگی جریان متن صحبت خواهیم کرد. در سه آیه اول، ماهیت موقعیت غذا به ما داده شده است و به عنوان چیزی که قبل از عید فصح است، به تصویر کشیده شده است، که درک دقیق آن کمی دشوار است.

او که عاشق خاصان خود در این دنیا بود، آنها را تا به آخر دوست داشت. با توجه به روشی که عیسی چوپان خوب، در سراسر این انجیل از گوسفندانش مراقبت کرده است، همانطور که در فصل ۱۰، به ویژه در اینجا در فصل ۱۳ آمده است، درک این بخش دشوار نیست. شگفت‌انگیز است که این نکته را مطرح می‌کند.

بنابراین، در آیه ۱: ۱۳، عیسی می‌دانست که ساعت رفتنش از دنیا فرا رسیده است. و ما قبلاً این عبارت را در فصل ۱۲ نیز دیده‌ایم که ساعت فرا رسیده است. او که خاصان خود را در دنیا دوست می‌داشت، آنها را تا به آخر دوست داشت.

این عبارت آخر را می‌توان به چند روش مختلف تفسیر کرد. می‌توان گفت که او آنها را تا پایان تلخ خدمتش دوست داشت، یا می‌توان اینطور برداشت کرد که او کاملاً آنها را دوست داشت. او آنها را تا انتها دوست داشت.

ام کاملاً دوست داشت، چیزی در همین حدود. بنابراین، در آیات چهار و پنج به عمل n او آنها را تا درجه شستن پاها اشاره شده است. او از غذا برخاست.

او ردای بیرونی، جامه یا هر چیز دیگری را درآورد و حوله را دور کمرش پیچید و آب را در لگن ریخت ظاهراً لگن را با خود به هر یک از شاگردان برد، شروع به شستن پاهای آنها کرد و آنها را با حوله‌ای که دور خود پیچیده بود خشک کرد. وقتی به پطرس رسید، البته پطرس، کسی که اغلب اول حرف می‌زند و بعد فکر می‌کند، احتمالاً پطرس به آنچه بقیه شاگردان فکر می‌کردند، اشاره کرد.

چرا پاهای ما را می‌شوئی؟ پطرس به عیسی می‌گوید: «خداوند، آیا قرار است پاهای مرا بشویی؟» عیسی پاسخ می‌دهد: «تو الان متوجه نیستی که من چه کار می‌کنم، بعداً خواهی فهمید.» پطرس متوجه می‌شود که وضعیت کاملاً غیرعادی است، شاید مانند روایت متی از غسل تعمید عیسی، جایی که یحیی تعمیددهنده اعتراض می‌کند و می‌گوید: «تو باید مرا غسل تعمید بدهی، نه اینکه تو خودت را غسل تعمید بدهی.» پطرس «می‌گوید: نه، تو هرگز پاهای مرا نخواهی شست».

این پیتر قدیمیه، مگه نه؟ پیتر هیچ‌وقت کارها رو نصفه و نیمه انجام نمیده. پیتر نگفت مطمئنی این کار درسته؟ پیتر گفت نه، این اتفاق نمی‌افته. بنابراین، عیسی با همان قاطعیت پاسخ می‌دهد که اگر تو را نشویم، تو هیچ نقشی در من نخواهی داشت.

بنابراین، پطرس به سرعت استراتژی قبلی خود در آیه ۸ را کنار می‌گذارد و استراتژی کاملاً جدیدی را در پیش می‌گیرد. پطرس حالا به جای اینکه اصلاً چیزی را نشویند، می‌خواهد نه تنها پاهایش شسته شود، بلکه دست‌ها و سرش را نیز بشوید. بنابراین، وقتی می‌بینید پطرس این‌طور به این طرف و آن طرف می‌پرد، باید او را دوست داشته باشید، مگر نه؟

کاش امروز پطرس‌های بیشتری در کلیسا داشتیم. می‌دانم که من یکی از آنها نیستم. گاهی اوقات آرزو می‌کنم که بودم.

سپس عیسی توضیح می‌دهد که کسانی که قبلاً حمام کرده‌اند، فقط باید پاهای خود را بشویند. تمام بدن آنها پاک است و شما پاک هستید. بنابراین، به نظر من، نماد شستن پا در اینجا صرفاً به عنوان نمونه‌ای از فروتنی مطرح می‌شود، به همین دلیل است که پطرس اعتراض کرد.

او فکر نمی‌کرد که شستن پاهایش توسط عیسی کار درستی باشد. حالا عیسی به او نشان می‌دهد که این کار چیزی بیش از فروتنی است. این کار به تطهیر مربوط می‌شود.

بنابراین، عبارت «شما پاک هستید» با این جمله دنبال می‌شود، هرچند نه همه شما. زیرا او می‌دانست چه کسی قرار است به او خیانت کند و به همین دلیل است که گفت همه پاک نیستند. بنابراین، ما این حس شوم، این حس مرموز را داریم که تطهیر بخشی از شستن پا نیز هست، اما برای همه صدق نمی‌کند.

و البته به طور ضمنی، در اینجا درباره کسی صحبت می‌شود که به زودی به عنوان خائن آشکار خواهد شد که یهودا است. بنابراین، وقتی عیسی عمل شستن پاها و گفتگو با پطرس را به پایان می‌رساند، سپس برای شاگردان توضیح می‌دهد که در آیات ۱۲ تا ۲۰ چه اتفاقی افتاده است. وقتی شستن پاها را تمام کرد لباس خود را پوشید، به جای خود بازگشت و گفت: «آیا فهمیدید با شما چه کردم؟ شما مرا معلم و خداوند می‌نامید، و درست هم می‌گویید، زیرا من چنین هستم».

حالا که من، خداوند و معلم شما، پاها را شسته‌ام، شما نیز باید پاها را یکدیگر را بشوید. من سرمشقی برای شما قرار داده‌ام. شما نیز باید همانطور که من برای شما انجام داده‌ام، عمل کنید.

به راستی، هیچ بنده‌ای بزرگتر از ارباب خود نیست، و هیچ فرستاده‌ای بزرگتر از فرستنده‌ی خود نیست جالب است، با توجه به روش‌های مکرری که عیسی از خود به عنوان فرستاده‌ی پدر سخن می‌گوید. اکنون که این چیزها را می‌دانید، برکت خواهید یافت، و او در اینجا متوقف نمی‌شود.

تنها دانش نیست که شما را مورد لطف خدا قرار می‌دهد. اگر به آنچه می‌دانید عمل کنید، مورد لطف قرار می‌گیرید. به نظر من، کسانی از ما که به شدت درگیر کارهای آکادمیک با کتاب مقدس هستیم، باید این نکته را در نظر داشته باشیم که بازی‌ای که انجام می‌دهیم فقط بازی روی کاغذ نیست. ما فقط سعی نمی‌کنیم بینش و اطلاعات کسب کنیم.

ما به دنبال آن اطلاعاتی هستیم که ما را به راهی برای رونویسی از شخصیت خدا و زندگی برای خدا در زندگی خودمان هدایت کند. بنابراین، عیسی در اینجا کاملاً روشن می‌کند که او چیزی را برای شاگردان فراهم می‌کند که باید نمونه یا الگو یا راهی باشد که آنها باید در زندگی خود در آینده از آن پیروی کنند و آنها باید آن را انجام دهند. بنابراین، این آموزه برای ما واقعاً قابل توجه است زیرا هیچ یک از ما به هیچ وجه جایی را که او داشت، نداریم، با این حال، خدمت فروتنانه به دیگران و ایفای نقش خادم، همانطور که او در اینجا انجام داد، برای ما بسیار دشوار است.

عیسی پس از این بحث اولیه در مورد تفسیر شستن پا، سخنانی نحس درباره خیانتکار می‌گوید. در آیات ۱۸ تا ۲۰، «او می‌گوید: «من به همه شما اشاره نمی‌کنم. من کسانی را که انتخاب کرده‌ام می‌شناسم، ۲۰»

این برای تحقق این آیه از کتاب مقدس است: آن که با من نان خورد، علیه من برخاسته است. اکنون قبل از وقوع این را به شما می‌گویم تا وقتی که اتفاق بیفتد، باور کنید که من همان کسی هستم که هستم.

به عبارت دیگر، او می‌گوید، من این را از قبل به شما می‌گویم تا وقتی اوضاع بد شد، متوجه شوید که برای من تعجب‌آور نبود. من دقیقاً می‌دانستم چه اتفاقی قرار است بیفتد. بعد از اینکه او این را گفت، در آیه عیسی در روحش مضطرب شد و بنابراین ما بیشتر اعلام صریح خیانت یهودا را داریم، که قبلاً در آیه ۲۱، قبلی به آن اشاره شده است.

حدس می‌زنم آیه ۱۱، آیه قبلی باشد. بنابراین، او با کلمات زیادی این را به صراحت بیان می‌کند، به شما می‌گویم، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد. شاگردان از این موضوع شگفت‌زده می‌شوند و می‌خواهند بدانند عیسی درباره چه کسی صحبت می‌کند.

بنابراین پطرس، با اشاره به یوحنا، آشکارا یوحنا، شاگرد محبوبش را، به عبارت دیگر، وادار می‌کند تا از عیسی بپرسد که او کیست. او در حالی که به عیسی تکیه می‌دهد، آیه ۲۵، از او می‌پرسد که او کیست. عیسی با کلمات زیاد نمی‌گوید که او کیست.

بلکه، او پاسخ می‌دهد که او کسی است که من تکه نان را وقتی آن را در ظرف فرو می‌کنم به او می‌دهم. این رسم، شاید در وعده غذایی عید فصح، وجود دارد و ما مطمئن نیستیم که این به عنوان یک وعده غذایی عید فصح به تصویر کشیده شده است، که نان را در گیاهان تلخ فرو می‌کنند، یا همچنین در طعمی که با غسل درست می‌شود بسیار شیرین است. من فکر می‌کنم اصطلاح آن هاروشف است.

بنابراین، دقیقاً مشخص نیست که در اینجا چه اتفاقی می‌افتد، اما او تکه نان را در آب فرو برد و آن را به یهودا، پسر شمعون ایسکاریوتی، داد و به محض اینکه یهودا نان را گرفت، شیطان وارد وجود او شد. از آموزه‌های قبلی در مورد خیانت، می‌دانیم که این موضوع تعجب‌آور نیست. عیسی به سادگی به یهودا گفت کاری که باید انجام دهی را سریع انجام بده «و هیچ کس در اطراف آنها دقیقاً نمی‌دانست که این به چه» معناست.

برخی فکر می‌کردند چون یهودا پول داشت، قرار بود بیرون برود و چیزهایی را که برای عید فصح نیاز داشتند بخرد، یا شاید فکر می‌کردند که قرار است به فقرا نذری بدهد. بنابراین، ما یکی از تاریک‌ترین اظهارات را در انجیل یوحنا داریم، به محض اینکه یهودا نان را گرفت، بیرون رفت و شب شد. بنابراین، بحث ما در مورد یوحنا ۱۳ به این صورت به پایان می‌رسد.

حالا برمی‌گردیم و درباره برخی از موارد دیگر مربوط به عید فصح صحبت می‌کنیم، اما در ویدیوی بعدی به یوحنا ۱۳:۳۱ می‌پردازیم، چون تقریباً مقدمه‌ای بر بقیه‌ی بحث است. بنابراین، وقتی به یوحنا ۱۳ فکر می‌کنیم، هنر جالبی داریم. تصاویر زیادی در طول تاریخ وجود دارد که نحوه‌ی به تصویر کشیدن پطرس در حال صحبت با پطرس را نشان می‌دهد.

اینجا او در شرف شستن پاهایش است. دستانش را روی مچ پایش گذاشته، اما پتر با اصرار بر نامناسب بودن این کار، اوضاع را خراب می‌کند. بنابراین باندونه می‌خواهد این را در یک نقاشی ۷۰۰ ساله به تصویر بکشد.

بنابراین حالا به موضوع شستن پا می‌رسیم و فقط از نظر پیشینه کتاب مقدس و فرهنگی به آن فکر می‌کنیم. در کتاب مقدس، کاهنان گاهی اوقات نیاز به شستن پاها و دست‌های خود داشتند، اما در درجه اول شستن پا برای بقیه مردم چندان موضوع طهارت آیینی نبود، بلکه موضوع مهمان‌نوازی بود. در متن معروف پیدایش که به فرشته خداوند که به دیدار ابراهیم و سارا می‌رود اشاره دارد، پیشنهادی برای شستن پاها وجود دارد، ۱۸.

و چندین جای دیگر در یوحنا، و همچنین در کتاب داوران، و در اول سموئیل، و دوم سموئیل، به عهد جدید می‌رسیم، در لوقا ۷، عیسی اظهار می‌کند که شخصی ثروتمند که در خانه‌اش غذا می‌خورد، هنگام ورود پاهایش را نشسته است. در یوحنا ۱۳، اول تیموتائوس ۵ فصلی درباره بیوه زنان است و اینکه کدام بیوه زنان شایسته حمایت کلیسا هستند. در آن فصل، فصل ۵، آیه ۱۰، اول تیموتائوس، پولس به تیموتائوس

می‌گوید بیوه زنانی که با نشان دادن مهمان‌نوازی با شستن پاهای مقدسین، فضیلت مسیحی خود را نشان داده‌اند، در صورت نیاز، شایسته حمایت کلیسا هستند.

بنابراین، در کتاب مقدس، از جمله عهد جدید، تأکید زیادی بر شستن پاها شده است. به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این تأکید تقریباً به کاری که هنگام مهمان داشتن انجام می‌دهید، مربوط می‌شود. در دوران باستان، راه رفتن در خیابان‌های خاکی امری کاملاً کثیف و نامرتب بود.

کلی حیوان در خیابان‌ها بالا و پایین می‌روند، گاو، الاغ، و هر چیز دیگری، و راستش را بخواهید، از میان توده‌های کود و چیزهایی از این قبیل عبور می‌کنید. و بنابراین، زباله‌ها در اطراف پراکنده می‌شوند، و بنابراین پاهایتان بعد از مدت‌ها بیرون بودن کثیف می‌شوند. و بنابراین، وقتی به خانه کسی می‌روید، می‌خواهید قبل از اینکه واقعاً بتوانید استراحت کنید، پاهایتان را تمیز کنید.

ممکن است کسی که خانه‌ای زیبا دارد، دوست نداشته باشد که مردم با پاهای کثیف وارد خانه‌اش شوند. بنابراین، اگرچه این یک نمایش عالی از مهمان‌نوازی است، اما تمیز نگه داشتن پاهای مهمانان به نفع صاحبخانه نیز هست. خیانتی که در اینجا در یوحنا ۱۳ به تصویر کشیده شده است، به صورت بینامتنی به تصویر کشیده شده است.

برای ما بسیار جالب است که این متن را در یوحنا ۱۳، آیه ۱۸ در نظر بگیریم و به مزمور ۴۱ به گونه‌ای نگاه: آن را این گونه بیان می‌کند NIV کنیم که به نوعی پیش‌بینی‌کننده اتفاقات یوحنا ۱۳، آیه ۱۸ باشد. ترجمه آن که نان مرا تقسیم می‌کرد، علیه من قیام کرد. «قیام علیه من نوعی استعاره از بلند کردن پاشنه‌اش علیه» من یا لگد زدن به پشت من یا چیزی شبیه به این است.

بنابراین، این نقل قولی از مزمور ۴۱ است، و من فکر می‌کنم شایسته است که فقط لحظه‌ای به مزمور ۴۱ نگاه کنیم و ببینیم در اینجا چه می‌گذرد و عیسی چگونه به مزمور ۴۱ نگاه می‌کرده است. ما چیزهای زیادی در مورد یافتن مسیح در مزامیر و ماهیت مزامیر به عنوان اسناد مسیحایی می‌شنویم. به نظر من، بسیاری از این موارد نسبتاً ساده‌انگارانه بیان شده‌اند و مردم به مزامیر طوری نگاه می‌کنند که گویی نوعی پیشگویی درباره عیسی هستند، به نوعی زمینه اصلی مزامیر و کاربرد آن در عبادت اسرائیل را نادیده می‌گیرند، اما واقعاً آن را به عنوان یک روایت در نظر نمی‌گیرند.

وقتی به مزمور ۴۱ برگردیم، من در اشعیا ۴۱ بودم، این کار نمی‌کند. مزمور ۴۱. ما مزموری را می‌خوانیم که به نظر من بیشتر آن، مزموری برای سوگواری است، مزموری که در آن مزمورنویس از کسانی که قصد آزار او را دارند، شکایت می‌کند.

این با دعای خیر برای کسانی که به ضعف توجه دارند و اینکه چگونه خداوند آنها را حفظ و محافظت می‌کند، آغاز می‌شود، آیات ۱ تا ۳. سپس مزمورنویس دعا می‌کند، و اگر این را صرفاً یک مزمور مسیحایی، مزموری درباره عیسی می‌دانید، شاید این برای شما کمی تکان‌دهنده باشد. سپس مزمور دعا می‌کند، خداوند! بر من رحم کن زیرا به تو گناه کرده‌ام. دشمنانم از روی بدخواهی درباره من می‌گویند، او کی خواهد مرد و نامش محو خواهد شد؟ وقتی یکی از آنها به دیدن من می‌آید، در حالی که قلبش پر از تهمت است، دروغ می‌گوید و سپس بیرون می‌رود و آن را پخش می‌کند.

بنابراین، مزمورنویس اساساً به کمبود خود، گناه خود، و شکست خود در پیروی کامل از خدا اذعان می‌کند اما همچنین آگاه است که افراد زیادی هستند که می‌خواهند او را هدف قرار دهند. بنابراین، او زیاد در مورد دشمنانش صحبت می‌کند. او می‌گوید، آنها بدترین چیزها را علیه من تصور می‌کنند و می‌گویند حتی یک بیماری خطرناک او را مبتلا کرده است، او هرگز از جایی که دراز کشیده بلند نخواهد شد.

به عبارت دیگر، بیماری او لاعلاج خواهد بود. این ما را به آیه‌ای که عیسی به آن اشاره کرده است، یعنی مزمور ۴۱ آیه ۹، می‌رساند. حتی دوست صمیمی من، کسی که به او اعتماد داشتم، کسی که نان مرا تقسیم می‌کرد، علیه من برخاسته است. اما باشد که تو بر من رحم کنی، مرا برخیزانی تا بتوانم به آنها پاداش دهم.

می‌دانم که از من خشنودی، زیرا دشمنم بر من پیروز نمی‌شود، به خاطر درستکاری‌ام، مرا حمایت می‌کنی و برای همیشه در حضور خود قرار می‌دهی. ستایش بر خداوند، خدای اسرائیل، از ازل تا ابد، آمین و آمین بنابراین، وقتی به مزمور ۴۱ در متن اصلی آن توجه می‌کنیم، مزمورنویس اذعان می‌کند که دشمنان زیادی دارد که در پی آزار او هستند.

او همچنین به نقص خود در راه رفتن در پیشگاه خدا اذعان می‌کند، اما اطمینان دارد که خدا او را از شر دشمنانش نجات خواهد داد و در آینده از او برای داشتن یک زندگی پربار استفاده خواهد کرد. پس وقتی عیسی به این مزمور اشاره می‌کند و این آیه را که دوست صمیمی من علیه من قد علم کرده است برمی‌گزیند، چه اتفاقی می‌افتد؟ من این دیدگاه را دارم که عیسی مزمور را به عنوان یک پیشگویی خاص درباره خودش در نظر نمی‌گیرد، زیرا این چیزی است که بلافاصله در آن دوره تاریخی از زندگی مزمورنویس سرچشمه می‌گیرد. و اینکه در مشیت الهی، خیانتی که مزمورنویس احساس می‌کرد، وقتی در مورد عیسی به کار می‌رود، به اوج خود می‌رسد.

به عبارت دیگر، تمام خیانت‌های شخصیت داوود که در مزمور ۴۱ آمده است، آن شخصیتی که از نظر تاریخی تجربه کرده است، خیانتی است که واقعاً نمی‌تواند به پای خیانتی که عیسی تجربه کرد، برسد بنابراین، عیسی همان چیزی را که در مزمور ۴۱ به شخصیت تاریخی داوود، چه پادشاه داوود و چه شخص دیگری مرتبط با داوود، اتفاق می‌افتد، می‌گوید، اکنون به شکلی حتی بزرگتر در زندگی عیسی، که البته پسر داوود است، بازمی‌گردد. عیسی شخصیت نهایی داوود است.

بنابراین، به جای اینکه مستقیماً این را به عنوان نوعی پیش‌بینی در نظر بگیریم و زمینه اصلی آن را از دست بدهیم، فکر می‌کنم می‌خواهیم توجه کنیم که خیانتی که در ابتدا به لحاظ تاریخی در مزمور منعکس شده است، چیزی است که خیانتی را که خود عیسی از دست یهودا تجربه می‌کند، پیش‌بینی می‌کند. اکنون تنها چیزی که در مورد این مزمور می‌دانیم این است که در عنوان به عنوان مزمور داوود به تصویر کشیده شده است، اما احتمالاً عناوین اصلی مزمور نیستند، اگرچه قدمتی دارند. بنابراین، اگر مزمور حداقل به نوعی به داوود مربوط باشد، چه به این معنی باشد که او آن را نوشته یا آن را تأیید کرده یا تجربیاتی را که او به عنوان پادشاه اسرائیل داشته است، منعکس می‌کند، شاید تعجب کنیم که آیا به یک واقعه خاص در زندگی داوود اشاره دارد یا خیر.

اگرچه ما این را به طور قطعی نمی‌دانیم، اما حداقل برای من قابل قبول به نظر می‌رسد که داوود به دوره زمانی شورش ابشالوم و چگونگی رفتن مشاورش اخیتوفل به عنوان مشاور ابشالوم به جای ماندن در کنار داوود اشاره می‌کند. می‌توانید در این مورد در دوم سموئیل، فصل‌های ۱۵ تا ۱۷ بخوانید، و به ویژه بخش‌های جالبی که در مورد اخیتوفل صحبت می‌کنند عبارتند از ۱۵:۳۱، ۳۴، ۱۶، ۲۰ تا ۲۳، و چند آیه از فصل ۱۷. شاید به یاد داشته باشید که نصیحت اخیتوفل برای مدتی توسط ابشالوم پذیرفته شد، اما بعداً، ابشالوم از مشاور دیگری نصیحت گرفت و بنابراین آنچه اخیتوفل به او گفت را نادیده گرفت.

خب، حدس بزنید چه اتفاقی برای اخیتوفل افتاد؟ او با خودکشی به زندگی خود پایان داد. البته، این دقیقاً همان اتفاقی است که برای یهودا افتاد. آیا این صرفاً یک تصادف است یا چیزی است که در مشیت الهی همانطور که ما کتاب مقدس را تفسیر می‌کنیم، اهمیت دارد؟ بنابراین، ما در اینجا با چیزی سروکار داریم که اساتید هرمنوتیک گاهی اوقات آن را گونه‌شناسی می‌نامند، پیشگویی وقایع عهد جدید در وقایع عهد عتیق.

من دوست دارم اینطور فکر کنم که عیسی خودش را از ساحل عبور می‌دهد، به اصطلاح، در ساحل زمان قدم می‌زند و پاهایش را روی ردپاهایی می‌گذارد که بنی اسرائیل در دوران تاریخی خودشان به جا گذاشته‌اند. بنابراین، چه فکر کنید این یک تفسیر قابل اعتماد است یا نه، فکر می‌کنم گاهی اوقات در عهد جدید برای توصیف رابطه عیسی با داوود و عهد عتیق از آن استفاده می‌شود، و فکر می‌کنم حداقل در اینجا یک درک قابل قبول است. چیزی در زندگی پادشاه داوود، حداقل در زندگی یک شخصیت داوودی، در جریان بود، خیانتی که عیسی به آن نگاه می‌کند و به آن فکر می‌کند.

او آشکارا به اندازه کافی از مزمو ۴۱ آگاه است که آنچه را که اکنون برای او اتفاق می‌افتد، با توجه به آنچه که برای سلف داوودی خود در عهد عتیق می‌بیند، تفسیر می‌کند. بنابراین، عیسی زندگی خود، خیانت به خود را، با توجه به خیانتی که پادشاه داوودی در مزمو ۴۱ تجربه کرد، درک می‌کند. اینکه آیا خیانت اخیتوفل است که به داوود خیانت کرد و سپس خودکشی کرد یا خیر، متن مستقیماً نمی‌گوید.

حداقل به نظر من، این یک درک قابل قبول از متن است. کمی بیشتر در مورد آن فکر کنید و به نتیجه گیری خودتان برسید. در نهایت، امروز چگونه این شستن پا را انجام دهیم؟ با این متن در یوحنا ۱۳ که در مورد شستن پا صحبت می‌کند، چه خواهیم کرد؟ ظاهراً، در خود متن، متن الگویی از فروتنی و تواضع است که با خدمت متقابل نشان داده می‌شود.

به عبارت دیگر، اگر واقعاً به یکدیگر اهمیت می‌دهیم و اگر افرادی با فروتنی واقعی هستیم، فقط در مورد فروتنی خود صحبت نمی‌کنیم، بلکه با زندگی خود به دیگران خدمت می‌کنیم. ما از زندگی خود استفاده خواهیم کرد. به جای انجام کاری که خودمان را تعالی بخشد، انرژی زندگی خود را برای تعالی دیگران و کمک به آنها صرف خواهیم کرد.

بنابراین، عیسی، از میان همه مردم، کاری را انجام داد که معمولاً در فرهنگ‌های باستانی، یک فرد پایین‌رتبه در خانه یا یک برده برای مهمانان انجام می‌داد. خود عیسی این نقش را بر عهده گرفت. و بنابراین آن چیز شگفت‌انگیز که باعث شد پطرس در ابتدا از شستن پاهایش امتناع کند، به ما نشان می‌دهد که چقدر مهم است که، به اصطلاح، حوله را بپوشیم و پاهای دیگران را بشویم.

اما بخش دیگری از این شستن پا وجود دارد که به نظر من به اندازه کافی به آن توجه نمی‌شود. و آن این است که شستن پا نوعی عمل تطهیر است. وقتی پطرس به عیسی اعتراض می‌کند که پاهایش را بشوید، عیسی اذعان می‌کند که اینجا چیزی مربوط به تطهیر در جریان است.

و پطرس نیازی ندارد که عیسی تمام بدنش را بشوید. او از قبل پاک است. تنها چیزی که نیاز دارد این است که پاهایش شسته شود.

با توجه به این تصویرسازی، ما از خود می‌پرسیم که آیا عیسی در مورد چیزی صحبت می‌کند که امروزه می‌توانیم آن را تقدیس مترقی الهیاتی بنامیم؟ آیا عیسی صرفاً به این دلیل به شستن پاهای پطرس فکر می‌کند که می‌داند پطرس از قبل پیرو او شده و پاک شده است؟ او به نوعی با گرویدن به پیروی از عیسی، غسل کرده است. اکنون تنها کاری که باید انجام دهد این است که زندگی خود را از مشکلاتی که با آنها روبرو می‌شود و واکنش‌های اشتباهی که در زندگی روزمره انجام می‌دهد، پاک کند.

بنابراین، آیا ممکن است آنچه عیسی در اینجا درباره آن صحبت می‌کند، به بیان گزاره‌ای، همان چیزی باشد که اول یوحنا هنگام صحبت در مورد مؤمن در گناه توصیف می‌کند؟ آیا عیسی شاید چیزی شبیه به آنچه در اول یوحنا فصل ۱ می‌گوید، می‌گوید که اگر در نور گام برداریم، همانطور که او در نور است، خون او

همچنان ما را از همه گناهان پاک می‌کند. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او وفادار و عادل است تا ما را از گناه ببخشد، ما را از همه بی‌عدالتی‌ها پاک کند. شاید، شاید نه.

می‌توانید در مورد آن فکر کنید و ببینید که آیا فکر می‌کنید این یک ارتباط معتبر با متن است یا خیر. در هر صورت، عیسی واقعاً از این موضوع به معنای تطهیر صحبت می‌کند. با توجه به این نکته، فکر می‌کنم به نوعی می‌توان گفت که شستن پا، پیشگویی صلیب است.

شستن پا به خودی خود یک رویداد رستگاری‌بخش نبود، اما این عیسی بود که کاری بسیار فروتنانه برای شاگردان انجام داد. البته، چه چیزی می‌تواند فروتنانه‌تر از شستن پا باشد؟ چیزهای زیادی وجود ندارد. یکی از آنها در واقع مصلوب شدن است، که همانطور که پولس در فیلیپیان ۲ بیان می‌کند، تقریباً تحقیرآمیزترین چیزی است که می‌توان تجربه کرد.

شاید شستن پا، پیش‌درآمدی از صلیب باشد. من فکر می‌کنم وقتی عیسی، در چند آیه بعدی، پس از جایی که امروز اینجا توقف می‌کنیم، به شاگردان می‌گوید: «من به شما فرمان جدیدی می‌دهم که باید یکدیگر را دوست داشته باشید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام». عیسی چگونه شاگردان را دوست داشته است؟ جدیدترین نمونه دوست داشتن شاگردان، شستن پاهای آنها و نشان دادن آنها به عنوان الگو است که چقدر باید یکدیگر را دوست داشته باشند.

البته، در اوایل این فصل، در دو آیه اول، در انجیل یوحنا ۱۳ آمده است که او شاگردانش را دوست داشت و آنها را تا به آخر، تا آخرین لحظه، دوست داشت. او آنها را کاملاً دوست داشت. عشق کامل او به آنها به شستن پاهایشان ختم نشد.

عشق کامل او به آنها قطعاً شامل شستن پاهایشان نیز می‌شد. شستن پاهایشان، همانطور که اینجا فکر می‌کنم، آخرین عمل رستگاری‌بخشی بود که او قبل از مرگ بر روی صلیب برای آنها انجام داد. امروز در مورد شستن پاها چه می‌کنیم؟ چگونه این رویداد را امروز اجرا می‌کنیم؟ مطمئناً هیچ کس این ایده را که ما باید با فروتنی به یکدیگر خدمت کنیم، رد نمی‌کند.

به جای اینکه منتظر خدمت باشیم، باید خدمت کنیم و جان خود را فدای بسیاری کنیم. همانطور که عیسی در متی فصل ۲۰، آیه ۲۸ در مورد خودش می‌گوید. ما کلیساهایی را می‌بینیم که گاهی اوقات در خلوتگاه‌های جوانان، جوانان را به شستن پاهای یکدیگر وا می‌دارند.

ما کلیساهایی را می‌بینیم که روحانیون، شاید سالی یک بار در طول هفته‌ی مصائب، پای مردم را می‌شویند چیزی شبیه به این. بنابراین، این چیزی است که هر از گاهی به عنوان چیزی شبیه به یک نمایش در کلیسا به نمایش گذاشته می‌شود، یک درس عملی که به مردم نه تنها یک موعظه، بلکه نمایشی از آنچه که باید برای یکدیگر انجام دهند، ارائه می‌دهد. من حتی در عروسی‌های اخیری که در آنها شرکت کرده‌ام، شاهد شستن پا بوده‌ام که در آن عروس و داماد پای یکدیگر را می‌شویند.

من در یکی از آنها بوده‌ام که حتی پای والدینشان را شسته‌اند، که بسیار تأثیرگذار بود. اگرچه باید بگویم که مدت زیادی طول کشید و مراسم عروسی را به یک مراسم طولانی تبدیل کرد. اما همانطور که می‌دانید ممکن است برخی از شما از شستن پا به عنوان یک رسم عادی در کلیسا آگاه باشید، چیزی که تقریباً در سطح غسل تعمید و سفره خداوند قرار می‌گیرد.

این کار اغلب در کلیساهایی انجام می‌شود که خود را به سنت منونایت، جنبش کلیسای صلح، و کلیساهایی از این دست گره زده‌اند، جایی که احتمالاً هر ماه یا هر سه ماه یک بار در ارتباط با مراسم نان و جام در

کلیسا، در واقع مراسمی برگزار می‌کنند که در آن پاهای یکدیگر را می‌شویند. من شخصاً متقاعد نشده‌ام که عیسی قصد چنین چیزی را داشته باشد، اما مطمئناً متقاعد نشده‌ام که اشکالی هم در آن وجود دارد. فکر می‌کنم ایده خوبی باشد که همه ما چنین چیزی را در نظر بگیریم زیرا باید به ما یادآوری شود که باید به یکدیگر به شیوه‌ای فروتنانه خدمت کنیم.

در پایان مطالعه‌ی یوحنا ۱۳، بیایید امیدوار باشیم که نه تنها کلمات این فصل، بلکه دو تصویر بسیار، شگفت‌انگیز عمیقاً در ذهن ما حک شده باشد. اول از همه، تصویر خداوندان که با شستن پاهای ما. الگویی برای ما قرار می‌دهد. و دوم، تصویر خداوندان که نشان می‌دهد چه کسی به او خیانت خواهد کرد.

امیدوارم هر چه بیشتر به شستن پاهایمان توسط او فکر کنیم، کمتر نگران این باشیم که آیا ما همان کسی «هستیم که او در موردش صحبت می‌کرد، وقتی گفت»: یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۵، سخنرانی خداحافظی، مقدمه، شستن پا و خیانت، یوحنا ۱۳: ۱-۳۰ است.